

بازارچه تاریخی حاج زینل شیراز فراموش شده است این بازارچه دیگر جان ندارد



شادی خوشکار] دست‌ها را به دست‌ها و گذاشته‌اند پشت سرشان. وسط خرابه پشت حمام قدیمی ایستاده. دور تا دورش، روی دو یا نهنج‌اندن و رمقی در چشم‌های خمارشان نیست که طولانی نگاهش کنند. داد می‌زند: «موادفروش تو این محل نمی‌تونه از دست من فرار کنه». دوری می‌زند، نگاهش تپخت‌آزمی می‌اندازد به کسب بازارچه که تماشایش می‌کنند. از تمام مغازه‌های «بازارچه حاج‌زینل»، است کاسب‌های باقی‌مانده می‌گویند دیگر کسی به‌خاطر آنسب‌های محله، از مغازه‌های شان خرید نمی‌کند. ماسور نیروی انتظامی لباس مشککی با سردوشی پوشیده و کلاه کاسکت را دست گرفته می‌گوید: «حالا بشین، پاشو، بشین، پاشو». ۶-۷ نفر، با پاهای لرزان، می‌نشینند و بلند می‌شوند. دوزن و یک پیرمرد، معاف از تنبیه، به دیوار تکیه داده‌اند و کمی که می‌گذرد، دیگر نگاهش هم نمی‌کنند. عباس فروشنده مغازه لحاف‌دوزی می‌گوید: «چه فایده، الان ولشون می‌کنه، دوباره جمع می‌شن.»

اهالی محله در این سال‌ها عوض شده‌اند و بازارچه در دل محله سنگ‌سیاه چهره عوض کرده و «بروو» بیایش، فراموش شده. گذر خلوت است و یکی دو مغازه‌دار روی روی مغازه‌های شان نشسته‌اند. صدای مامور می‌پیچد که داد می‌زند: «گر حکم شود که مست گیرند در شهر هر آن که هست گیرند. سریع، بشین، پاشو»، روی زمین چند گونی سفید خالی جای زین‌آرد خاکستر آتش‌های قبلی مانده‌است.

عباس می‌گوید: «حالا داره داد و بیداد می‌کنه، دعواشون می‌کنه. یه یاد می‌زنه ول می‌کنه میره پشت همین حموم حکیم. بین اعتیاد بیداد می‌کنه، هرچی هم نیروی انتظامی میاد انگار نه‌انگار. یک دو چرخه قدیمی تکیه داده به در مغازه. پشت صندلی یک جعبه آبی خالی بسته است. مغازه تاریک است و لحاف و تشک‌های ماشینی دیده نمی‌شوند. می‌گوید با کمان لحاف در دست کردن دیگر برای پیرمرد هاست. پشت شیشه خاک گرفته و پتیرن، بادکنک و لوازم تحریر و چند اسباب‌بازی است: «قبلا کاسب‌های قدیمی بودن، اهل محل بودن، الان ببین یک آدم حسابی رد می‌شنه؟» می‌گوید کار اساسی این‌جا انجام نمی‌شود یا این که استاندارد و شهر دار هم آمده و قول‌هایی داده‌اند این‌جا فراموش شده: «ما هم مجبوریم چهار تا دکان بیشتر نیستیم، نه کالسی، نه هیچی. دیگه مشتری‌های خودمون هم نمیان.» از ۳۰-۲۰ مغازه‌ای که رونق این گذر بودند.

این بازارچه ۴۰۰ سال قدمت دارد
از بازار ماهی فروش‌ها کنار دروازه در کار بزرگ همه آدرس محله سنگ‌سیاه و بازارچه حاج‌زینل را می‌دانند، اما کسی بدون نگاهی مشکوک یا هتنداردن دربار محله، راه را نشان نمی‌دهد. بازارچه حاج‌زینل در مسیر آرامگاه سیبویه، رویه‌روی

یکی از کوچه‌های مهم مسیر گردشگری به نام هفت‌بیچ است. روزنامه عصر مردم شیراز در گزارشی نوشته این بنا به نام موسس آن که تاجر بزرگی بود، نام‌گذاری شده‌است. در منابعی که به بافت تاریخی شیراز می‌پردازند، اطلاعات زیادی از گذر حاج‌زینل نیست. سابق گفته‌های مردم محلی این بازارچه حدود ۴۰۰ سال قبل ساخته‌شده و فردی به اسم حاج‌زینل در آن مغازه داشته اما معلوم نیست حاج‌زینل چه می‌فروخته. محمدرضا احمدی، پژوهشگر تاریخی شیرازی می‌گوید: «بازارچه حاج‌زینل تا حدود ۵۰ سال قبل رونق داشته اما امروز بیشتر مغازه‌ها یا تخریب شده یا کاربری‌شان عوض شده و مسکونی شده‌اند. اطلاعات بیشتری از این بازارچه نداریم.»

مسئول فنی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان فارس خردنامه ۹۳ این گذر را بین سه گذر مهم و تاریخی شهر شیراز دانست و خبر از مرمت و احیای آن داد او در گزارش ایرنا گفت: «بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده سه

گذر «سنگ‌سیاه»، «بازارچه حاج‌زینل» و «سید ذوالفقار» تا پایان شهریور سال ۹۴ احیا و بهره‌برداری خواهند شد و احیای این گذرها نیز با رویکرد حمایت از بافت تاریخی شیراز و استفاده از ظرفیت‌های مهم گردشگری این شهر است. به گفته او بافت تاریخی شیراز با ۲۴۰ هکتار و بر خور داری از ۲ هزار اثر تاریخی ارزشمند ثبت‌شده و ۲۸۰ خانه تاریخی در فهرست آثار ملی، نیازمند توجه ویژه مسئولان کشور و استان فارس است. خانه اوچی و بصیری، خانه قربانعلی بیات‌پور، خانه شفیعی اردکانی، خانه سعادت، خانه ضلایان، خانه حسین مومنی، خانه انجوی، خانه شوریده شیرازی و خانه نخسب موحّد کارزونی در این گذر قرار دارند. مساجد قدیمی سیاهوشان، مسجد امام علی (ع)، امامزاده بی‌بی دختران، مسجد و حمام ایلیخانی، کلیسای ارمنه، خانه فروغ‌الملک، آرامگاه سیدنا تاج‌الدین غریب مسجد و حسینیه کردها و مسجد شیر هم از بناهایی هستند که گردشگران را به دنبال خود به این محله می‌کشاند.

نویسنده فرسنامه ناصری می‌گوید غیر از مسجد و کیل، مسجدی مانند مسجد مشیر در شیراز نیست: «مشیر الملک وزیر مملکت فارس از سال ۱۲۶۵ تا ۱۲۷۴ آن را به اتمام رسانید و بعد از مسجد جامع و کیل بر حسب استحكام و ترتیب و دریاچه و ستون‌های سنگی و شیبستان و سنگ آزار، مانند مسجدی در شیراز نیست و علاوه بر عمارت مسجد، چندین حجره فوقانی در آن ساخته، مسکن طلاب دینیّه قرار داده است و تاکنون که چندسال از وفات حاجی مشیرالملک گذشته است، معلوم نیست که موفقاتی برای این مسجد و حجرات معین کرده باشد و این مسجد در محله سنگ‌سیاه، در جوار خانه حاجی مشیرالملک است.»

کاسبی خراب شد و همه رفتند
۴۵ سال قبل وقتی عباس به این گذر آمد، ساخخانه قدیمی هنوز به راه بود. کسبه صبح‌ها ساعت ۶ کر که مغازه را بسلا می‌برند، ظهرها مغازه‌دارها دور هم چای می‌خورند و یخ می‌گذاشتند در آب ساخخانه و مردمی که در تپو‌تاب خرید بودند، همچنان خنکی آن می‌شدند. از خاتم‌سازی و قالی‌فروشی تا تانیا‌های روزمره مردم مثل میوه‌فروش، سبزی‌فروش، سوپری و قصابی در بازارچه حاج‌زینل جایی داشتند. روزگار برای خانه‌هایی که کسبه از آن حرف می‌زنند برگشته، خانه‌هایی با خردم و حشم که بیشتر پای خدمتکاران‌شان به بازارچه می‌رسید: «میراث فرهنگی به خانه‌ها رسیده ولی دیگه بازارچه اون بازارچمنیست.»

۶۷ ساله است، سال‌های انقلاب و تظاهرات را همین جابه یاد می‌آورد. ۱۰ سال می‌شود که به قول خودش نه کاری مانده و نه کالسی ای: «کم‌کم شهری‌ها رفتن بالای شهر، خانه‌ها را دادن به این و اون و دیگه رشته از دستمون ول شد. معتادها این‌جا لانه کردن، این‌جا جوان‌هایی می‌بینی، عجیب، امنیت نداره، نه شبش، نه روزش.» دو چرخاش را نشان می‌دهد: «یعنی رویم رو بکنم آن طرف این چرخ‌پرو می‌برن، کلاه شوما برید اون طرف رو نگاه کنین، معتادها زن و مرد نشستن و علنی مواد می‌کشن. مامور هم میاد و میره، یک دادی میزنه اما فایده‌اش چیه؟ اصلش خرابه مامور هم بگیره کجا بره؟ باید به جایی هست از این‌ها در دست بکنن که بمونن نزدیکای عید»

قدمت محله سنگ‌سیاه، متصل به بازارچه حاج‌زینل، به قبل از دوران زندیه می‌رسد. غلامرضا

خجندی پژوهشگر میراث فرهنگی استان فارس درباره وجه تسمیه سنگ‌سیاه از گفته‌های مردم محلی نقل می‌کند: «سنگ‌سیاه، سنگ قبر سیبویه است که آرامگاهش در این محله واقع شده. باورهای مردمی می‌گویند در قدیم زنان در کنار این سنگ بچه‌های خود را ششیر می‌داندند و مابقی شیری که روی آن می‌ریخت سنگ را سیاه می‌کرد. این یک باور محلی است و سند مدرکی برایش وجود ندارد.»

آرامگاه سیبویه که سال ۱۳۵۳ ساخته شده، در سال ۱۳۷۹ از زمره آثار ملی ایران ثبت شد. حدود محله از جنوب و جنوب غربی به حصار شیراز از شمال به میدان و سرباغ و از سمت شرق سسر درک محدود می‌شد. این محلات متصل می‌شود به بازارچه ارمنه که قدیمی‌ترین کلیسای ارمنه از دوران صفویه در این محله است. امروز دیگر نام و نشانی از ارمنه نیست، اهالی محل معلم بودن، ناظم و افسر بودن. الان چی؟ معتادها بازارچه‌رو خراب کردن. هرچی دکان دار بود، دیدند کالسی شون بد شد، بستند رفتند خیلی‌ها هم کارهای بودند و رفتند جای بهتری نشستند و این‌جا عقب‌افتاده شدند. حالا دوباره کی درست بشه خدا عالمه.»

سنگ‌سیاه در قدیم محله پرجمعیت و مهمی بود. در فارس نامه ناصری آمده است: «محله هشتم شیراز محله سنگ‌سیاه است. از زمان سلطنت کریمخان زند طاب، ارمنه محله درب کارزون را که محله علیحده‌ای بود جزء این محله کردند و تمام آن را «محله سنگ‌سیاه» گفتند و این محله محدود است به محله میدان شاه و سرباغ و سردرک و پاروی مغربی شهر و شماره خانه‌های این محله در سال ۱۳۰۱، شمرده‌اند ۴۶۵ خانه است.»

سال ۹۲، ایستنا از تخریب خانه‌های قدیمی این محله با برجسب منقل خانه خبر داد. سرگذشت حاج‌زینل دارد شبیه سرگذشت ارمنی‌ها می‌شود. گذر ارمنی‌ها که به گفته احمدی یادش در

سفرنامه‌های جهانگردان آمده است، خانه‌های زیاد و جمعیت زیادی داشته. تاجرهای این گذر، مانند گذر حاج‌زینل محله سنگ‌سیاه را در گروه محله‌های بالای شهر شیراز آورده بودند: «ساکنان قسمت‌های زیادی از بافت تاریخی امروز اقشار کم‌درآمد هستند، محله سنگ‌سیاه و حاج‌زینل که آن زمان جزو محله‌های بالای شیراز بود، الان وضع خوبی ندارد.»

کنار مغازه عباس، فروشنده بقالی، احمد روی صندلی‌اش در مغازه بزرگی نشسته‌است. شیشه‌ها کدرند و گرد زمان دارند. پسر بچه‌ای می‌پرسد تخمه آفتابگردون دارید، می‌گوید نه. ۳۰ سال است در این گذر مغازه دارد. ۵-۴ سالی هم می‌شود که هر آنچه از محله می‌ساخت، دود شده و به هوا رفته است: «قبلا اهالی محل معلم بودن، ناظم و افسر بودن. الان چی؟ معتادها بازارچه‌رو خراب کردن. هرچی دکان دار بود، دیدند کالسی شون بد شد، بستند رفتند خیلی‌ها هم کارهای بودند و رفتند جای بهتری نشستند و این‌جا عقب‌افتاده شدند. حالا دوباره کی درست بشه خدا عالمه.»

در ازی گذر حاج‌زینل خلوت است، از دور کسی پاکشان می‌آید و با هر قدم صدا می‌زند: لیلای هیچ زنی در گذر نیست: «چطور شد که به این روز افتاد؟ ریزه‌ریزه خراب شد و کار بالا کشید. دکان‌ها همه باز بود. همه چی بود، منتهای چی؟ دکان‌ها دیدند کارشون نشد و رفتند. خیلی‌ها هم فوت کردند. این‌جا شده دکه معتادا. اگر کسی دوا بخواد میگن باید بری زیر بازارچه حاج‌زینل.»

صدای «بشین، بلندشو» تمام شده، سوار موتور شده و می‌رود. عباس از جایش بلند می‌شود و می‌گوید: «یک زمانی با کاسب‌های دیگه دور هم بودیم، حالا دیگه همه‌جا دشمنیه. هیچ کس به هیچ کس نیست.»



بازارچه حاج‌زینل



بازارچه حاج‌زینل



این بازارچه محل تجمع معتادان شده

عوامل موثر بر افول حس سرزندگی در بافت‌های تاریخی و فرسوده

فضا باید به گونه‌ای باشد که مردم بیایند و بمانند. برای فراهم بودن زمین جذب افراد به فضا و سپس نگاه داشتن آنها در فضا باید نخست عناصر و عوامل جذب‌کننده موجود باشد و مردم برای ماندن در فضا دچار مشکل نباشند و در کمال رضایت به سر بپرند. با وجود تمام ارزش‌های نرفته در بافت محله



بازارچه حاج‌زینل

مدرس گروه معماری دانشگاه در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل موثر بر افول حس سرزندگی و زیست پذیری در بافت‌های تاریخی و فرسوده» به مطالعه موردی محله سنگ‌سیاه شیراز پرداخته است.

مقاله حاضر با هدف شناسایی عوامل موثر بر افول حس سرزندگی و زیست‌پذیری در بافت‌های تاریخی و فرسوده تدوین شده است. در این پژوهش سعی شده است از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بازدید میدانی، وضع موجود تحلیل و در نهایت پیشنهادها و راهکارهایی برای بروی‌رفت از این معضل ارایه شود. در نهایت این نتیجه حاصل شد که عوامل متعددی نظیر فرسودگی در ابنیه و کالبد و سیمای بافت، عدم برخورداری لازم از تأسیسات زیرساخت‌ها و خدمات شهری مناسب با نیاز امروز و همچنین نبود زندگی اقتصادی مناسب بافت، سبب افول حس سرزندگی و زیست‌پذیری و در نهایت فرسودگی بافت سنگ‌سیاه شیراز شده است.

ابتدا باید اشاره کرد که فضایی را می‌توان سرزنده دانست که در ساعات بسیاری از روز، افراد گوناگونی به اختیار خود و نه از روی اجبار به آن‌جا آمده و لحظاتی را در آن‌جا سپری کنند؛ به عبارت دیگر،

بازارش مقدس و تاریخی و فرهنگی و توان بالقوه آنها در جذب افراد، سبب شده این بافت دچار افول و فرسودگی شود.

با توجه به مستندات و بازدید‌های صورت گرفته، مشخص شد این محله از نظر دارا بودن عوامل جذب‌کننده افراد و عواملی که به محیط و فضا حس سرزندگی می‌بخشد، دچار مشکلات بسیاری است. عدم توجه به ظرفیت‌های بدون استفاده در این بافت سبب شده است که بعد تاریخی و فرهنگی این محله فراموش شود. ساختمان‌ها سیستم سازه‌ای مناسب و استحکام لازم را ندارند و همچنین به لحاظ دید بصری دچار ناانجاری‌های متعدد هستند. شهرداری‌ها و دستگاه‌های آرایه‌دهنده خدمات شهری می‌توانند در جهت اصلاح و بهبود شبکه‌های دسترسی و زیرساخت‌ها و تأسیسات شهری و همچنین ایجاد فضاهای عمومی و سبز که حس سرزندگی و تعاملات اجتماعی را رونق می‌بخشد و همچنین در جهت تطبیق ساختار و کالبد قدیمی با شرایط زندگی امروزی ساکنان به‌ویژه حل مشکل عبور و مرور وسایل نقلیه و امادارسانی در مواقع بحرانی، سیاست‌ها و برنامه‌های کارشناسی شده

را پیش ببرند. این سازمان‌ها می‌توانند با استقرار کاربری‌های مناسب در بافت و با توجه به اصول زیر، یوایی و جذب افراد را در محله افزایش دهند: رفع کمبودها در سرنه‌های کاربری‌های خدماتی مورد نیاز محله، تجمع فعالیت‌ها و ایجاد مراکز محله، توجه به پیاده‌مداری و حرکت پیاده در بافت، آرایه برنامه‌های تشویقی، ترغیبی و حمایتی نظیر مشاوره رایگان و ارزان قیمت، حذف عوارض شهرداری‌ها، صدور پروانه رایگان و ارزان، تخصیص مصالح ارزان برای ساخت بناهای متناسب با ضوابط معماری. سازمان‌ها و ارگان‌های مرتبط با حفظ و نگهداری میراث ملی، فرهنگی و تاریخی می‌توانند با تعاملات سازنده با سایر دستگاه‌ها در جهت بهسازی، نوسازی و مرمت این آثار گامی اساسی بردارند، از تخریب کامل این آثار با ارزش جلوگیری به عمل آورند و توان بالقوه محله را برای جذب افراد و حتی گردشگران بالفعل کنند. سرمایه‌گذاری در این بخش و ایجاد مراکز تجاری و بافت تجاری به‌عنوان عامل مهمی در ایجاد حس سرزندگی می‌تواند نقش بسزایی در جذب هرچه بیشتر افراد و تقویت حس سرزندگی در بافت ایفا کند.